ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

پیام کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران به کارگران و زحمتکشان کشور

(بمناسبت روز اول ماه مه ـ روز همبستگی بین المللی کارگران)

کارگران، زحمتکشان ایران!

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران بمناسبت روز اول ماه مه، روزهمبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان، روز تظاهرقدرت عظیم اتحاد وهمرزمی طبقهٔ کارگر، روز تجدیدعهد رنجبران همهٔ کشورها در مبارزه علیه استثمار و بیداد بهره کشان، بشما درود پرشور میفرستد.

خواهران و برادران رنجبر!

در سالی که گذشت، بر خلاف ادعاهای پرهیاهوی زمامداران رژیم، نه تنها در وضع معیشت و زندگی شما بهبودی حاصل نشده بلکه باز هم تنگدستی و محرومیتهای مادی ومعنوی شما افزایش یافته است. ترقی مستمر هزینهٔ زندگی بویژه گرانی روز افزون اقلام ضروری مورد نیاز مردم زحمتکش، از کرایه خانه گرفته تا ابتدائی ترین مواد خوراك و پوشاك، روز بروز بر تنگدستی تیره روزی و دشواریهای گوناگون زندگی روزمرهٔ شما میافزاید. درحالیکه کارو کوشش شما نخستین شرط و مهمترین عامل پیشرفت اقتصادی کشور است و با اینکه چرخ صنعت و کشاورزی فقط به نیروی‌شما وبقدرت‌بازوان توانای شمابحرکت درمیاید، معذالك‌دستمزدی که بشما داده میشود حتی حد اقل مخارج زندگی عادی خانواده شما را تأمین نمیکند. علاوه‌بر این از جانب‌طبقات حاکمه محرومیت های مادی و معنوی دیگری بزندگی شما

دنباله در صفحه ٤

مردم ایران بند و بست اخیر هیئت حاکمه با کنسرسیوم نفت را محکوم می کنند

(اظهاریهٔ هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران)

هموطنان عزیز!

سرانجام پس از مدتی بند و بست ها و مذاکرات پنهانی، شاه در جریان گشایش کارخانهٔ ذوب آهن اصفهان، پرده از روی محتوی و نتائج مذاکرات خود در سویس با نمایندگان کنسرسیوم غارتگر نفت، برداشت. این اظهارات نشان میدهد که بار دیگر در مسئله نفت بین شاه و کنسرسیوم سازشی انجام گرفته است که بزیان مصالح ملی ماست و با روح قانون ملی کردن صنایع نفت مغایرت دارد و علیرغم آن امکانات عینی فراوانی است که هم اکنون برای اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن نفت در جهان و منطقه‌وجود دارد.

حزب توده ایران بار ها به وجود این امکان و تحولات عمیقی که طی سالیان‌اخیر در وضع جهان و منطقه روی داده، اشاره کرده است. در جهان امروز سه نیروی انقلابی اساسی عصر ما، یعنی کشور های سوسیالیستی، جنبش انقلابی کارگری کشور های سرمایه داری و جنبش رهائی بخش ملی روز بروز قدرت و نفوذ بیشتری کسب میکنند و ابتکارتاریخ را در دست دارند. امپریالیسم رو به ضعف میرود و دیگر آن نیروی قدر قدرتی نیست که بی ترس از کیفر، امور جهان را بسود خود رتق وفتق میکرده است. سیاست جنگ سرد با شکست مواجه شده و سیاست صلح وهمزیستی راه خود را با قدرتی فراوان بسوی پیش میگشاید. تناقضات‌داخلی کشور های امپریالیستی، تضاد بین کشورهای عمده سرمایه داری بویژه بر سر بازار فروش، دمبدم حدت و شدت فزونتری کسب میکند. بحران عمومی سرمایه داری در همه عرصه ها تشدید میشود و از آنجمله بحران ارزی از جلوه ها و مظاهر آنست.

یکی از مشکلات بزرگی که‌امپریالیسم با آن روبروست آنچیزیست که بحران‌انرژی نام دارد یعنی آنکه از طرفی منابع نفت و گازی که در کشور های امپریالیستی است رو به فرسایش میرود و از طرف دیگر نیاز مندی کشور های صنعتی اروپای غربی و امریکا و کانادا و ژاپن بمنابع نفت و گاز روز افزون است. بطوریکه امریکا که تا چندی پیش احتیاج چندانی به وارد کردن نفت و گاز نداشت مجبور است در سالهای آینده تا ۵۰ الی ۶۰ درصد نیازمندی خود را به نفت و گاز از منطقه خاور نزدیك و خلیج فارس وارد کند.

این نیازمندی روز افزون در دنیای کنونی بحث شدیدی را در بارهٔ کیفیت رفتار با کشورهای تولید کننده نفت بوجود آورده است. برخی از محافل واقع بین تر سرمایه داری در کشور های امپریالیستی احساس میکنند که روش گذشته تحمیل به کشورهای تولید کننده، این خطر را دربر دارد که منجر به واکنش شدید این کشورها شود و کشور های امپریالیستی کنترل خود را بر روی‌تولید و بازار جهانی نفت از دست بدهند. درست باین مناسبت که یکی از بزرگترین کارشناسان نفتی امریکا جارج باکلی اخیراً گفته است: «آن دورانها که شرکتهای بزرگ نفتی بیاوری دولت های خودشان میتوانستند شرائط خود را بر کشور های تولید کننده نفت تحمیل کنند گذشته است.» و نیز درست بهمین مناسبت است که در میان هیئت حاکمهٔ کشور های امپریالیستی، در کنار نظر ادامهٔ تحمیل ارادهٔ خود بر کشورهای تولید کننده، حتی برخیها این نظر را بمیان آورده اند که باید کشور های مصرف کننده و تولید کنندهٔ نفت روابطی برپایه صرفهٔ متقابل بوجودآورند.

دراین شرائط، اوضاع و احوال بسیار مساعدی برای مبارزات مردم علیه سیطرهٔ ستمگرانه امپریالیستها و بسود کسب استقلال سیاسی واقتصادی وتحکیم مبانی این استقلال پدید آمده است. برخی از خلقها از این تحولات و امکانات عینی استفاده میکنند، بر میزان مقاومت خویش در قبال امپریالیسم

دنباله در صفحه ۲

از مبارزهٔ دانشجویان پیکارجو پشتیبانی کنیم!

(اظهاریهٔ هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران)

بار دیگر تراکم نارضائی، دانشگاه های ایران را بجوش وخروش آورده است. هنوز گردانندگان رژیم ازتظاهرات‌دانشجویان بمناسبت روز ۱۶ آذر سراسیمه بودند که دانشجویان دانشگاه تهران علیه مضحکه جشنهای سالگردباصطلاح انقلاب سفید دست به تظاهرات زدند. مأموران مسلح بر دانشگاه حمله بردند، عدهٔ زیادی از دانشجویان را بازداشت وجمعی‌را مضروب ومجروح‌ساختند. اما یورش بربر منشانه مأموران انتظامی و چماقداران سازمان امنیت نتوانست دانشجویان را مرعوب کند. با انتشار خبر خرید ۲ میلیارد دلار اسلحه و بند و بست خائنانه با کنسرسیوم غارتگر، امواج تظاهرات واعتصابات سراسر دانشگاهها و مدارس عالی را فراگرفت. دانشجویان مبارز دانشگاه تبریز، بمنظور اعتراض به این اقدامات ضد ملی اعتصاب نمودند و از حضور در کلاسهای درس خود داری کردند. در اینجا نیز با تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویان وحشیانه مقابله شد و زد و خورد میان دانشجویان و پلیس در گرفت. کماندو های مجهز پلیس بر سر دانشجویان ریختند و بر روی آنان آتش گشودند، طبق اطلاع خبرگزاریهای خارجی، عده ای از دانشجویان مقتول و جمعی مجروح شدند. اعتصاب به سرعت به دانشگاه آریا مهر، جندی شاپور، دانشگاه ملی، مدرسه عالی پارس، دانشگاه شیراز، دانشگاه اصفهان، دانشکده کشاورزی و دانشکده منابع طبیعی کرج، دانشکده علوم و ارتباطات تهران و دانشکدهٔ علم و صنعت سرایت نمود، شعار های ضد امپریالیستی و دموکراتیك مبارزه، یعنی اعتراض به خرید اسلحه، بند و بست با کنسرسیوم غارتگر و تأمین دموکراسی در دانشگاههای مختلف با

دنباله در صفحه ۳

ایران در نقش ژاندارم منطقه

بنا باظهارات مجلس سنای امریکا، ایران سه میلیارد دلار (۲۲۵ میلیارد ریال) از امریکا سلاحهای مدرن میخرد و بنا به درخواست شاه ایران سیصد نفر کارشناس امریکائی بایران خواهند آمد تا چگونگی بکار بردن این سلاحها را یاد بدهند. وزارت جنگ امریکا نیز بطور رسمی انجام معامله اسلحه با ایران را به‌بهای دو میلیارد و یکصد میلیون دلار که نقداً پرداخت میشود اعلام داشت. پس از این خرید هنگفت از امریکا، خبر خریداری یکصد و پنجاه میلیون لیره استرلینگ اسلحه ازانگلستان نیز منتشر گردید. اضافه میکنیم که این ارقام علاوه بر خرید های کلان اسلحه است که دولت ایران در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد و مخصوصاً در سالهای اخیر انجام داده، از طرف دیگر ایران بتوسعه پایگاههای هوائی ودریائی خود درخلیج فارس ومجاور اقیانوس هند دست زده و حتی درخارج از خاك‌ایران در جزیره موریس و سلطان نشین عمان ـ مسقط نیز بساختن پایگاههای دریائی وهوائی مشغول است.

بموازات این اقدامات وسیع نظامی بمناسبت و یا بیمناسبت شاه و سردمداران‌رژیم تبلیغات پردامنه ای در باره مسائل دفاعی به مقیاسی که در آستانه یك جنگ بزرگ برای تجهیز مردم انجام میگیرد، براه انداخته اند چنانکه گوئی میهن ما در معرض خطری است که موجودیت و تمامیت آنرا تهدید میکند. مجموع این اقدامات بحق موجب نگرانی مردم ایران و کشور های منطقه خاور میانه حتی هند شده است. روزنامه «هندوستان اکسپرس» در فوریه ۱۹۷۳ نوشت: «تصمیم دولت نیکسون دایر بفروش اسلحه به ایران بمبلغ ۲ میلیارد دلار عواقب وخیمی برای کشورهای خلیج فارس واقیانوس هند خواهد داشت. ازآنجائیکه امنیت‌داخلی معضل مهمی برای ایران نیست، میتوان‌نتیجه گرفت که خرید اینهمه تکنیك نظامی را

دنباله در صفحه ۳

دنباله ازصفحه ۱

اظهاریه در بارهٔ کنسرسیوم نفت

میافزاید و دست غارتگرش را ازمنابع ثروت میهن خود کوتاه میسازند . از آنجمله کشور های تولید کننده نفت ، در مبارزه برای استیفاء حقوق و تأمین حق حاکمیت خویش در منابع نفت ، به موفقیتهای چشمگیری نائل میآیند . در این مورد میتوان مثلا از موفقیت اخیر خلق کشور همسایه ما عراق برای ملی کردن بخش مهمی ازمنابع نفت خود، یاد کرد.

کاملا روشن است که در این شرایط حفظ قرار داد غارتگرانه ای که کنسرسیوم پس از سرکوب جنبش ملی مردم ایران ، آنرا بدست محافل ارتجاعی بر کشور ما تحمیل نموده و افکار عمومی دائماً خواستار الغاء آن بوده، بیش ازپیش دشوارمیشده و کنسرسیوم میدیده که دیگر قادر نیست شکل گذشتهٔ غارتگری را برای مدتی مدید ادامه دهد، لذا مجبور شد به برخی تغییرات تن در دهد تا خود را کمابیش با شرائط نوین دمساز کند.

آنچه که از اظهارات شاه و هویدا در موردبند وبست جدیدبرمیآید آنست که کنسرسیوم غارتگر بعنوان خریدار انحصاری وممتاز بخش عمدهٔ نفت ایران برای بیست و یکسال دیگر کماکان باقی خواهد ماند وکارشناسان کنسرسیوم ، تحت عنوان کارمندان خارجی شرکت ملی نفت ایران، کماکان درمؤسسات نفتی ما بکار خویش ادامه خواهند داد . بنا به تصریح شاه در سخنرانیش بهنگام افتتاح ذوب آهن ، ایران که صاحب صنایع ملی شده نفت است ازهر بشکه نفت منفعتی خواهد داشت که از دیگر کشور های خلیج فارس که در اکثر آنها تسلط انحصارات نفتی امپریالیستی، بصورت امتیازات اسارتبار هنوز باقی است ، فقط کمتر نخواهد بود ! از همه مهمتر اینکه موافق اظهارات شاه شرکت تازه ای درکار پیدایش است که جانشین شرکت گذشته خواهد شد . خلاصه با برخی تغییرات در دکوراسیون، جریان تحویل روز افزون نفت ایران به کنسرسیوم غارتگربرای ۲۱ سال دیگرتضمین شده است و این درست همان هدفی است که کنسرسیوم میخواسته است بدان برسد و از رسیدن بدان آشکارا خرسند است .

ما هنوز از جزئیات قرار داد جدیدی که در لندن در بارهٔ آنها مذاکره جریان دارد و از شرکت تازه ای که میخواهند تشکیل دهند دقیقاً خبری نداریم . ولی با بررسی اظهارات شاه و هویدا، از هم اکنون میتوانیم نکات زیرین را تصریح نمائیم :

الف ـ شاه دراظهارات خود درمراسم افتتاح کارخانه ذوب آهن اصفهان تصریح کرد که «تمام متخصصین که هنوز ما بدانها احتیاج داریم ، در این شرکت که بمسئولیت ایرانی و در ایران به ثبت رسیده باشد ، در اختیار ما خواهند بود.» در این عبارت مبهم، دو پهلو و گذرا شاه از پیدایش شرکت جدیدی صحبت کرده است . در بارهٔ این شرکت نوبنیاد خبر گزاری فرانس پرس ، بر اساس اخذ اطلاع از منابع موثق در تهران اطلاعات بیشتری بدست میدهد . این خبر گزاری مطلع مینویسد : «شرکت جدید بهره برداری کننده ، یك شرکت مختلط خواهد بود که شرکت ملی در آن در کنار شرکتهای عضو کنسرسیوم داخل خواهد گردید . محل این شرکت در تهران خواهد بود.» این اطلاع فرانس پرس اخبار مندرجه در جرائد تهران را تکمیل میکند . ازبررسی این اخبار چنین حاصل میآید که کنسرسیوم سابق بعنوان عامل خرید نفت بصورت سازمان مستقل در تهران دفتر خود را حفظ میکند . دو شرکت دیگر که محل آنها بترتیب در مسجد سلیمان و اهواز است ، یعنی «شرکت تصفیه» و «شرکت اکتشاف و تولید» با تمام کار شناسان خارجی بهمراه شرکت ملی نفت وارد ترکیب یك شرکت تازه مختلط میشوند . بر اساس این اخبارباید گفت که تمام جار و جنجال در بارهٔ «خلع ید» و اجراء کامل قانون ملی شدن و لفاظی های دیگر از این قبیل بدون محتوی جدی است . تشکیل شرکت جدید مختلط همراه کنسرسیوم نقض قانون ملی کردن نفت ایران است . این خیانت جدیدی است بمردم ایران و وضع گذشته را بطور عمده و ماهوی حفظ خواهد کرد و سیطرهٔ غارتگرانه کنسرسیوم بر منابع نفتی ما ادامه خواهد یافت .

ب ـ فروش انحصاری بخش عمدهٔ نفت با امتیازات و تخفیفات وشرائطی که تأمین کنندهٔ غارتگری انحصارهای امپریالیستی نفت است مخالف منافع مردم ایرانست. ایران باید بتواند در نهایت آزادی و تأمین حداکثر صرفهٔ خود، نفت خویش را در بازار جهان بفروشد و قبول شرائط محدود کننده در این زمینه پایمال کردن مصالح ملی ماست. شاه در نطق خود در « کنگره ملی » اعتراف کرد که در جهان امروز ردیف درازی برای خرید نفت وجود دارد، ولی در آنموقع گفت که میتواند کنسرسیوم را وادار سازد که در آن ردیف دراز برای خریدنفت ایران بایستد. عملا چنین چیزی رخ نداده است . در واقع نیز میزان تولید ایران بقدری عظیم است که جهان صنعتی که چنانکه توضیح دادیم دچار بحران منابع سوخت است، بهیچوجه نمیتواند آنرا نادیده بگیرد . مشتری برای نفت ما در دنیا وجود دارد . کارتل بین المللی نفت دیگر دارای آن قدرت نیست که بتواند ارادهٔ خود را تحمیل کند . ولی در اثر بند و بستهای پس پرده ، اینك کنسرسیوم به خریدار ممتاز و طولانی نفت خام ما بدل شده است. با توجه باین واقعیت که استخراج نفت ایران طی سالهای آینده تادو برابر افزایش خواهدیافت کنسرسیوم طی سالهای آینده عملا فرصت خواهد یافت بخش عمدهٔ ذخیرهٔ مکشوف نفت ایران را بغارت برد .

ج ـ ما همیشه از این واقعیت دفاع کردیم که کارگران و مهندسان و دیگر کارشناسان ایرانی بارها لیاقت خود رابه ثبوت رسانده‌اند و کاملا قادرند صنایع نفتی ما را اداره کنند . بهمین جهت مخالف بقاء کار ـ شناسان کنسرسیوم هستیم . این نکته بر همه کس روشن است که مسئله بر سر وجود یك عده متخصص خارجی ، که میتوانستند در صورت نیاز واقعی کشور در مؤسسات نفتی ما کار کنند نیست ،بلکه مسئله بر سر بقاء کنسرسیوم برای ادامه کنترل مؤسسات نفتی از جانب انحصارهای امپریالیستی نفت است، که طبق اطلاع مطبوعات ایران در مقام خویش باقی خواهند ماند . این امر بر خلاف دعوی شاه ، موفقیتی از طرف ایران نیست بلکه تحمیلی است از جانب کنسرسیوم . این امر در عین‌حال توهینی است به مهندسان ودیگر کارشناسان ایرانی . که نه فقط در صنایع نفت ایران، بلکه حتی در کشورهای خارجی دراین زمینه با موفقیت تمام کار میکنند .

د ـ تصریح شاه‌دائر بآنکه منفعت ما از هر بشکه ، موافق سازش اخیر با کنسرسیوم، از منفعت کشورهای خلیج‌فارس کمتر نخواهد بود ، کنه سازشی را که انجام گرفته است افشاء میکند . در صورتیکه ما دارای نفت‌ملی شده هستیم و حتی خسارت مؤسسات نفتی را آنطور که بما تحمیل شده ، تا آخرین پشیز پرداخته‌ایم ، چگونه منفعت‌ما فقط کمتر از کشورهائی نخواهد بود که نفت آنها کاملا در قبضه کارتل بین‌المللی است ؟! همین‌نکته است که نشان میدهد دعوی سخنگویان‌هیئت حاکمه در بارهٔ «تسلیم کامل کنسرسیوم » و «پیروزی کامل ایران » الفاظ تبلیغاتی‌است که برای پوشاندن واقعیت ادا میگردد .

ما بر آنیم که بالا بردن در آمد نفت از راه بالا بردن دائمی تولید روش درستی نیست . نفت و گاز مواد بینهایت گرانبهائی است که باید تولید ، مصرف و فروش آن موافق یك سیاست دورنمادار و کاملا سنجیدهٔ اقتصادی انجام گیرد. ما میتوانیم از این‌منبع بعنوان مادهٔ اولیهٔ صنایع پتروشیمی استفاده کنیم . ما میتوانیم محصولات گرانقیمت نفتی بوجود آوریم و در جهان بفروشیم. مامیتوانیم و باید منابع نفتی را برای نیازهای روزافزون کشور که در کار صنعتی شدن است برای مدتی هرچه طولانی‌تر حفظ کنیم واز این‌راه نیز به پیدایش مشاغل جدید وحل مسئله بغرنج اشتغال که روز بروز حادتر میشود کمك کنیم. البته ما میتوانیم و باید قسمتی از نفت خود را نیز در بازار جهانی بفروشیم ولی میزان این فروش و شیوهٔ آن باید مبتنی بر یك سیاست مستقل اقتصادی یعنی بامراعات صرفه وصلاح کشور باشد . رژیم از طرفی امکان میدهد که منابع نفت ما بی پروا و دد منشانه غارت وذخیرهٔ نفتی مابا سرعت بر بادرود وازطرف دیگر شکل عمده استفاده‌اش از نفت فروش نفت‌است نه استفاده همه جانبه ومتنوع ازاین ماده . در اینجاست که مابین یك سیاست ملی در مورد نفت و سیاست کنونی رژیم خط فاصل جدی پدید میشود .

روش هیئتهای حاکمهٔ ایران از آغاز قرن کنونی تاامروز بندوبست پی‌درپی‌وخیانت آمیز با امپریالیسم و انحصارهای نفتی امپریالیستی و باز گذاشتن دست آنها در یغمای ثروت ملی ما بوده است . رژیم کنونی با بند وبست اخیر خود درهمین جاده ننگین‌پیشینیان خویش گام بر میدارد .

جالب است که تغییراتی را که‌انحصار های امپریالیستی نفت ، برای ساز گار کردن وضع خود باتحولات وضع ایران وجهان داده اندوهیئت حاکمهٔ ایران آنرا پذیرفته‌میخواهند بعنوان حل قطعی مسئله نفت ، بعنوان اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت جا بزنند و با صحنه سازی ، مردم ایران را که عطشان استقلال کشورند بفریبند . این طرز عمل سابقه دارد . در دوران حکومت رضاشاه این صحنه‌سازی دربارهٔ قرارداد دارسی بعمل آمد . با جار و جنجال ، الغاء این قرارداد را اعلام کردند و تبلیغات دامنه داری در ایران و جهان براه افتاد . پس از مدتی قرارداد اسارت‌آوری دائر به تمدید امتیاز شرکت سابق نفت‌ایران وانگلیس منعقدشدقراردادی که حتی عاقد آن تقی‌زاده آنرا بعدهامحکوم دانست . عقد این‌قرارداد ننگین واسارت‌آور را بعنوان‌پیروزی بزرگ اعلام داشتندومانند این روزها مردم را به جشن و چراغانی وادار کردند . پس از کودتای ۲۸ مرداد انعقاد قرارداد خائنانه با کنسرسیوم نفت اعلام کردند که این قرارداد همان اجراء قانون‌ملی کردن نفت است . بعدها شاه و امینی عاقدین این قرارداد به تحمیلی بودن آن بشکل‌تصریحی یا تلویحی اعتراف نمودند و امروز صحبت از خلع ید میکنند . قرار داد تازه نیز خلع ید نیست. مسئلهٔ خلع ید کماکان در دستورتاریخ باقی است . این واقعیات نشان‌میدهد که‌تاریخ تکرار میشود ولی با این تفاوت که ایران امروز وجهان‌امروز دیگرآن‌ایران‌وآن‌جهان نیست وصحنه سازیها هر قدر که ماهرانه باشد و با دقت استتار گردد نمیتواند افکار عمومی را بفریبد .

خنده‌آور اینجاست که منادیان رادیوی دولتی ، طی یك سلسله گفتارهای کین‌توزانه و افترا آمیز در حق حزب ما ، تقلا دارند مواضع حزب ما را در مورد نفت [illegible]گونه جلوه گر کنند . یکروز از آن دم می[illegible] که گویا ما میخواهیم شیرهای نفت بسته شود و ایران سیاست اقتصاد بدون نفت را درپیش گیرد . روز دیگرمیگویند مامیخواهیم ایران دارای وابستگی یك جانبه شود و معاملات خود را تنها با کشورهائی معینی انجام دهد. بالاخره روزدیگردست به جعلیات و دروغهای بزرگ گوبلس وار میزنند و دعوی میکنند که گویا حزب توده ایران همیشه با ملی کردن صنایع نفت مخالفت کرده و ایران را برای اداره صنایع مستقل نفت مستعد نمیداند. هر کس که دارای عقل‌سالم است به لغوبودن این جعلیات مضحك پی میبرد . حزب توده ایران در تاریخ پر افتخار خود پیوسته از استقلال اقتصادی کشور در قبال غارتگری امپریالیستی‌برای‌برانداختن سیطرهٔ انحصارهای امپریالیستی‌نفت و ازجمله از اجراء تمام‌وکمال قانون ملی کردن صنایع نفت با تمام قوت دفاع نموده است .

مردم ایران !

شاه و هیئت حاکمه ایران ، در بند و بست با امپریالیسم ، نه فقط ثروت گرانبهای نفتی ما را دستخوش تاراجگری آنهامیکنند،

دنباله در صفحه ٤

دنباله از صفحه ۱

اظهاریه در بارهٔ دانشجویان

مطالبات تحصیلی و دانشگاهی از قبیل : لغو حق‌ثبت کنکور عمومی ، اعتراض به گرانی سرسام آور شهریه، طرد عوامل شناخته شده سازمان امنیت از ساحت دانشگاه درآمیخت. اما این خواستهای منطقی و بجای‌دانشجویان با واکنش خشن رژیم مواجه شد . طبق خبر خبر گزاری های خارجی در چهار ماههٔ آخر سال ۱۳۵۱ تعداد ۱۷ نفر دانشجو درجریان تظاهرات واعتصابات بقتل رسیده اند . تعداد بازداشت شدگان بیشمار است ، از سرنوشت بسیاری ازدانشجویان زندانی خبری در دست نیست ، خانواده ها نگرانند ، تعدادی از دانشکده ها عملا تعطیل مانده اند . روز ۱۲ فروردین مجدداً دانشگاه تهران به تظاهرات پردامنه ای دست زد و باوجود حملات‌مسلحانهٔ مأموران انتظامی بنحو درخشانی پایداری نمود . در این جریان نیز تعداد زیادی از دانشجویان بازداشت شدند .

واکنش تبهکارانه رژیم‌دربرابرخواست های عادلانه و منطقی دانشجویان ، بار دیگر سیمای واقعی رژیم مطلقه را نشان میدهد ، نشان میدهد رژیمی که در میان توده های مردم تکیه گاهی ندارد ، سرنیزه و تانک را تکیه گاه خود قرار داده است. گردانندگان رژیم از آنجهت تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویان‌را باچنین شیوه‌های خشن‌سرکوب میکنند ، که این تظاهرات ، دعاوی بی پایه آنانرا نقش بر آب میکند . نشان میدهد که علی‌رغم تبلیغات پیر هیاهو ، دانشجویان به «انقلاب سفید» باور ندارند، به دعاوی دروغ تسلیم‌نمیشوند، نمیخواهند میهنشان به‌ماجراهای بی‌سر انجام نظامی کشیده شود ، نمیخواهند ثروت کشورشان جیب انحصارات تفتخوار و سوداگران اسلحه را پر کند . بر عکس خواستارند که کشور شان از سلطه سیاسی و [illegible]دی امپریالیسم برهد ، براه تکامل‌سالم گام نهد و ثروت کشورشان در راه رفاه مردم بکار افتد . این خواستها منطقی ومورد پشتیبانی همهٔ نیروهای مترقی است وما ازاین مطالبات با همهٔ‌نیرو حمایت میکنیم .مخالفت بااین مطالبات عادلانه ومیهن‌پرستانه‌وسرکوب آن ، سیاست ضد ملی و ضد دمکراتیک‌رژیم را بیش از پیش بر ملا میکند.

ما به مبارزان جوان و روشن بین‌دانش پژوه درود پرشور میفرستیم و از همهٔ عناصر و سازمانهای مترقی ، همهٔ مردم ایران دعوت میکنیم که از مبارزهٔ دانشجویان با تمام نیرو حمایت کنند و بهر نحوی که میسر میدانند با آنان همبستگی نشان دهند . این وظیفهٔ مقدس جنبش دانشجوئی خارج از کشوراست که به حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی و حق طلبانه.دانشگاههای ایران بر خیزد وبا استفاده از امکانات مساعدی که در اختیار دارد به پیشبرد مطالبات آنان یاری رساند . پشتیبانی افکار عمومی ایران و جهان از این مبارزه و اعتراض به خشونت رژیم میتواند در پیشبرد خواستهای‌حقهٔ دانشجویان که خواست همهٔ مردم زحمتکش ایران است مؤثر باشد.

ما اقدامات تبهکارانه رژیم را در قتل و جرح وبازداشت، دانشجویان شدیداً محکوم میکنیم و آزادی فوری‌همهٔ دانشجویان زندانی را خواستاریم . ما میخواهیم که دولت به‌حریم دانشگاهها‌احترام بگذارد وپلیس وآدمکشان سازمان‌امنیت‌را ازساحت‌دانشگاه خارج کند.

زنده باد مبارزهٔ حق طلبانهٔ دانشجویان‌ما !

هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی
حزب تودهٔ ایران
۱۵ فروردین ۱۳۵۲

دنباله از صفحه ۱

ایران در نقش ژاندارم منطقه

ملاحظات سیاست خارجی ایجاب میکند ... ایران همچنین میخواهد نقش دولت هدایت کننده را در اقیانوس هند ایفا کند .» اینك برای مردم ایران این سئوال مطرح است که با وجود نیاز ایران به وام برای اجرای برنامه های خود و داشتن بیش از سه میلیارد دلار وام خارجی ، خرید دائمی سلاحهای مدرن و انجام معاملاتی که رقم آنها به میلیارد ها دلار میرسد و در دنیا بی‌نظیر است ، چه معنی دارد ؟ اظهارات شاه و هویدا و جرائد و رادیو و بطور کلی دستگاههای تبلیغاتی رژیم در بارهٔ نقشه‌های دفاعی ایران در یك جنگ احتمالی که تا حد تبدیل ایران به «زمین سوخته» میرسد در دورانی که مسئلهٔ امنیت جمعی اروپا و آسیا و تخفیف وخامت اوضاع بین المللی و خلع سلاح مطرح است ، چه هدفی را تعقیب میکند؟ شاه و حکومت‌ایران از سوئی در گفته های خود از امنیت جمعی آسیا ، از صلح ، از خلع سلاح دم میزنند ، از سوی دیگر در عمل باقدماماتی میپردازند که درست در جهت عکس گفته های آنها است. دلیل این دو روئی چیست؟ آیا با ایجاد هیستری جنگ میتوان ریختن میلیاردها دلار درآمد کشور را بجیب صاحبان کارخانه‌های اسلحه سازی امریکا و انگلیس ، توجیه کرد؟ جواب شاه ودولت او بصدها هزار مردم‌بیکار و میلیونها نفر زحمتکشانی که فاقد حد اقل وسیله معیشت هستند چیست؟ مگر شاه مکرر نگفت که ما هم اکنون قادریم جواب شایسته ای به هر مهاجم خارجی بدهیم و حتی هل‌من مبارزهم طلبید ؟ آیا این سلاحهائیکه برای شناسائی آنها به سیصد نفر کارشناس جدید امریکائی نیازمندیم برای مردم ایران کار ، نان ، خانه و مدرسه و بیمارستان و آزادی به ارمغان میآورند؟ آیا با تبدیل ایران به‌بزرگ ترین زراد خانه های خاور میانه اعتماد مردم این منطقه ودوستی همسایگان خود را بدست میآوریم یا اینکه ایران تبدیل بکانون خطری میشود که آنها را نیز وادار بعمل متقابل و افزایش تسلیحات میکند و وضع کلی این منطقه را وخیم تر مینماید ؟

حقیقت اینست که جواب سئوالات فوق را بهیچوجه نمیتوان در ارتباط با مسائل اقتصادی، سیاسی و دفاعی ایران جستجونمود. انگیزهٔ سیاست نظامیگری حکومت ایران را فقط میتوان در ارتباط با منافع اقتصادی ـ سیاسی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و بلند پروازیهای شاه ایران یافت.

روزنامه لوموند در ۲ دسامبر ۱۹۷۱ درباره «کمکهای هنگفت» امریکا وانگلیس بایران بدرستی چنین نوشت : «کمك های هنگفت امریکا و کشور های غربی به ایران (بخوانید : فروش هنگفت اسلحه) آنقدر ها معلول مسائل اقتصادی که مربوط بخود ایران باشد نیست، بلکه بیشتر معلول مصالح‌اقتصادی و سیاسی لندن و واشنگتن در منطقه خلیج است .» رمز سیاست حکومت ایران را باید در دکترین گوام ـ نیکسون که هدف آن ایجاد ژاندارمهای منطقه‌ای و تقسیم «مشوء لیتهای سنگین» امریکا است ، کشف نمود. البوت ریچاردسن معاون وزارت خارجه‌امریکا این مسئله را بی پرده در سال ۱۹۷۰ چنین بیان کرد که «بر اساس دکترین نیکسون برای تحقق بخشیدن بهدفهای صلح و امنیت امریکا باید توجه خود را بکشور های منطقه و بخصوص بایران متوجه کند» (کیهان ۲۳ آوریل ۱۹۷۰) همین روزنامه نقل از ریچاردسن در شماره ۲۲ آوریل ۱۹۷۰ خود نوشت که «واشنگتن رهبری ایران‌را در خلیج فارس برای تأمین ثبات و امنیت در این منطقه حساس تأیید میکند.»

اخیراً ژوزف سیسکو معاون وزارت خارجه امریکا در کنفرانسی که در وزارت خارجه امریکا در باره سیاست خارجی این کشور ایراد کرد ضمن ستایش از «رهبری خردمندانه» شاه ، اظهار کرد که «نیرومندی دولت ایران عامل مهمی است برای ثبات در ناحیه خلیج فارس» و تصریح کرد که «ناحیهٔ خلیج فارس برای امریکا دارای اهمیت درجه اول است». او نیرو های سابق انگلستان را نیز عامل مهم ثبات در ناحیهٔ خلیج دانست و افزود که «ما کوشیده ایم در همکاریهای خود که آنرا متوجه ایران و عربستان‌سعودی ساخته ایم پیش برویم » . بنا بر این عامل اساسی اقدامات حکومت ایران در مورد خرید اسلحه و توسعه پایگاههای هوائی و دریائی‌محصول اهمیت‌درجه‌اولی است که‌امریکا بمنافع اقتصادی واستراتژیکی خود درخلیج فارس‌ومنطقه‌میدهد نه‌حفظ منافع‌مردم‌ایران.

این اظهارات صریح معاونان‌وزارت خارجه امریکا جای تردیدی باقی نمیگذارد که ایران ایفای نقش خاص ژاندارم منطقه را که با بلند پروازیهای شاه مطابقت دارد ، بعهده گرفته وبرای انجام آن از کیسه مردم‌ایران بی‌پروا خرج میکند این همان نقشی است که شاه بشکل دیگری از آن‌چنین یاد میکند: « این کشور محکوم بایفای نقش درجه اول در صحنه جهانی است . ما باید خود رابرای انجام این نقش از صمیم قلب و با تمام قوا آماده کنیم . » این نقش همان نقشی است که سناتور کندی در مصاحبه خود با خبر نگار تلویزیون ملی ایران (نقل از کیهان ۳۱ شهریور ۱۳۵۰) آنرا چنین توضیح داد : « پس از خروج انگلیس از خلیج فارس ایران باید نقش اساسی را در حفظ صلح ایفاء کند. در این‌مورد واشنگتن از ایران حمایت خواهد کرد . » روزنامه اسکاتمن انگلیس در سال ۱۹۷۱ نوشت که « محافل رسمی امریکا اظهار میدارند که تا سال ۱۹۵۷ که برنامه تحویل اسلحه و تربیت ارتش ایران بپایان میرسد انتظار میرود ایران به نیرومندترین قدرت در خاور میانه وبه عامل‌ثبات دراین‌منطقه تبدیل شود.» برای تبدیل شدن به «نیرومندترین قدرت» و یا بعبارت دیگر رسیدن به درجه ژاندارمی امپریالیسم در منطقه است که ایران بقول روزنامه نیویورك هرالد تریبون مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۷۱ « بهای ترقی (!) خود را با افزایش وام مربوط بخرید اسلحه و تشدید فشار میپردازد » همین روزنامه اضافه میکند که « با آنکه آمار رسمی در باره مجموع وامهای ایران نشر نیافته میتوان تخمین زد که ایران بیش‌ازسه میلیارد دلار مقروض‌است.»

شاه دربهمن ماه ۱۳۵۰ هنگام مصاحبه با خبر نگاران خارجی گوشه‌ای از نقشی‌را که ایران بعهده گرفته‌چنین افشاء نمود : « هر یك از کشورها وشیخ نشینها در خلیج فارس که تمایلی‌باخذ کمك ازایران‌نشان دهندبدون تردید آنرا دریافت خواهند کرد ... من تصور میکنم در چند سال آینده ما باید نقش کمك دهنده را بعهده بگیریم . مسلماً منطقه مورد توجه ما خلیج فارس است . در این منطقه ما میتوانیم به بعضی از کشورها کمك فنی بکنیم و همچنین به ثبات وامنیت منطقه نیز کمك کنیم . » . مسلم است که این کار با همه دریاهای آزاد ارتباط پیدا میکند . هر اقیانوس دنباله اقیانوس دیگر است . طبیعتاً اگر اقیانوس هندمنطقه آشفته‌ای باشدعواقب و نتایج آنرا اعم از بد یا خوب ما احساس میکنیم . »

هم اکنون ایران‌نقش « کمك کننده» را با دادن سیصد میلیون دلار اعتبار بسلطان قابوس و اعزام کار شناسان نظامی بعمان برای سر کوب جنبش ظفار وتهدید جمهوری دمکراتیك یمن، با ارسال هواپیماهای‌فانتوم برای حکومت وان تیو در ویتنام جنوبی ، با فرستادن سلاحهای گوناگون برای پاکستان وبا تمر کز نیروهای نظامی ایران در دهانه شط العرب برای کمك به شیخ کویت علیه جمهوری عراق ، ایفا میکند .

حکومت ایران بجای پند گرفتن از تحولات جهان که در جهت تخفیف وخامت اوضاع بین المللی ، ایجاد سیستم امنیت‌جمعی در اروپا وآسیا، خلع سلاح واجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز است ، پیوندهای‌خود را با امپریالیستها تقویت میکند ، بخاطر حفظ منافع اقتصادی و استراتژیکی آنها میلیاردها دلار از ثروت مردمی را که خود نیاز مبرم بدان دارند ، بدامان فروشندگان کالاهای مرگ‌زا میریزد ، بسر کوب جنبشهای‌آزادی بخش در منطقه خاور میانه کمك میکند ، به طرح نقشه‌های تجاوزکارانه میپردازد ، کشور ما را در جهت مخالف تاریخ سوق میدهد وایران را به‌کانون خطری‌علیه صلح‌وآرامش منطقه خاور میانه واقیانوس هند تبدیل میکند وبرای انجام این اقدامات ضد ملی از گفتن دروغ ، از تبلیغات شوینیستی، از دوروئی‌وریا کاری ابا وامتناعی ندارد .

مردم ایران که آثا زیانبخش این سیاست را در نداشتن وسائل کافی زندگی ، نداشتن وسائل فرهنگ و بهداشت ونداشتن هر نوع آزادی روی گوشت و پوست خود حس میکنند ، آنرا بشدت محکوم وعلیه آن مبارزه مینمایند .

ا. کویا

دنباله از صفحه ۱

پیام کمیتهٔ مرکزی به کارگران و زحمتکشان کشور

و خانواده زحمتکش شما تحمیل میشود.

دولت وکارفرمایان باوجود عوام‌فریبیها و وعده‌های لفظی، در عمل از اجراء مقررات ناقص قانون بیمه‌های اجتماعی سرباز میزنند، مقررات تأمینی و بهداشتی کار را زیر پا میگذارند، بدستاویزهای گوناگون، حقوقی را که در نتیجهٔ نیم قرن مبارزه طبقه کارگر ایران بدست آمده است پایمال اغراض سود جویانهٔ خود میکنند. بیکار بودن برادران و خواهران کارگر شما را مانند وسیلهٔ تهدیدی برای پائین نگاهداشتن دستمزدها و جلوگیری از مبارزات مطالباتی شما بکار میبرند. بعناوین گوناگون حقوق سندیکائی شما رانقض میکنند، و باتوسل بزور وتهدید سازمان امنیت و مداخلات غیر قانونی وزارت کار میکوشند از رزمندگی و پیکارجوئی اتحادیه های صنفی بکاهند و آنها را بصورت آلت کامل اجراء مقاصد خویش در آورند. سیاست ارتجاعی و ضد کارگری دولت نه تنها مانع از آنست که شما و فرزندانتان از حیات معنوی شایستهٔ انسان عصر کنونی برخوردار گردید بلکه بیمانه‌های مختلف کودکان شما را از دریافت آموزش وپرورش صحیح وخود شما را از پیشرفت در آموزش و تخصص حرفه‌ای محروم میسازد.

رژیم حامی استثمار گران داخلی وخارجی از سوئی با پیش کشیدن شعار عوامفریبانهٔ سهیم کردن کارگران در سود و سهام کار خانه‌ها از وحدت طبقاتی، از همکاری بین کار و سرمایه دم میزند و از سوئی دیگر بیهانهٔ اجراء طبقه‌بندی مشاغل دستمزدها رامنجمد میکند وبه پشتیبانی از استثمار گران بزور سرنیزه وپلیس هر گونه جنبش حق طلبانهٔ کارگران را سر کوب میکند. علی رغم منافع طبقات زحمتکش و همهٔ مردم میهن پرست ایران، رژیم مطلقهٔ شاه انحصارهای امپریالیستی را برای بهره کشی از نیروی کار کارگران ایرانی، که در نتیجهٔ پائین بودن سطح زندگی بسیار ارزان است، تشویق میکند و بدینسان برای انحصار های امپریالیستی وسائل غارت منابع ثروت ملی و استثمار بیرحمانهٔ کارگران ایرانی را فراهم میسازد. در حالیکه میلیونها مردم زحمتکش ایران از ابتدائی‌ترین وسائل زندگی، بهداشت وآموزش محرومند وبیکاری مزمن سیاه ترین فقر و تیره روزی را نصیب دهها هزار خانوار زحمتکش میکند، همین حکومت مدعی هواداری از کارگران ومبلغ تئوری دروغین ومزورانهٔ «همکاری طبقاتی» فقط طی چند ماه اخیر در حدود ۲۰۰ میلیارد ریال صرف خرید اسلحه و جنگ افزار بسود امپریالیستهای غارتگر امریکائی و انگلیسی نموده است. این مبلغ هنگفت که مستقیماً در نتیجهٔ کار وزحمت توان‌فرسای کارگران نفت ایران عاید دولت شده تقریباً معادل یکچهارم بودجهٔ ۱۳۵۲ کشور وتنهائی برابر با مزد سالیانهٔ ۵ میلیون نفر کارگر ایرانی با دستمزد چهار هزار تومانی در سال است.

خواهران و برادران کارگر توجه کنید! با چنین سرمایه بزرگی که در نتیجهٔ خیانت هیئت حاکمهٔ ایران بجیب اسلحه‌فروشان امریکائی و انگلیسی ریخته میشود ودر ازاء آن نه کارخانه‌ای نه‌ماشینی و نه کالای دیگر بدرد خوری وارد کشور ما میگردد، امکان داشت چندین کارخانهٔ بزرگ نظیر مجتمع آهن گدازی و پولاد سازی اصفهان، دهها بیمارستان، صدها دبستان و کودکستان وآموزشگاههای حرفه ای ساخت، هزاران نفر کارگر بیکار را بکار گماشت، هزارها بیمار را درمان نمود و هزاران کودك ایرانی محروم از آموزش وپرورش را بکلاس درس کشاند؛

هیئت حاکمهٔ ایران نه تنها نتیجه کار و کوشش کارگران نفت ایران را که میتواند وسیلهٔ نیرومندی برای بسط صنایع و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور باشد، بدینسان بهدر میدهد بلکه تحت عنوان پایان دادن به قرار داد کنسرسیوم غارتگر نفت، یکبار دیگر در تبانی با یغماگران امریکائی و انگلیسی، منابع عظیم نفتی ما را تا آخرقرن در اختیار انحصار های غارتگر امپریالیستی میگذارد.

بدیهی است طبقه کارگر ایران با سنتهای پیکار جویانهٔ تاریخی خود نمیتواندبر برابر چنین اوضاع و احوالی که مستقیماً با شرایط زندگی و کار کنونی وآینده او بستگی دارد واکنشی نشان ندهد. امروز وزن مخصوص طبقهٔ کارگر در جامعهٔ ایران بسرعت بالا میرود. افرادی که از بازوی خود نان میخورند اکنون قریب نیمی ازجمعیت فعال کشور ما را تشکیل میدهند و طی چند سال آینده طبقهٔ کارگر به مهمترین عامل اقتصادی کشور مبدل میگردد. این نیروی عظیم در صورتیکه متحد و متشکل باشد و بطور قاطع و پیگیر در راه بدست آوردن حقوق صنفی، اجتماعی و سیاسی خود پیکار کند هیچ قدرتی در برابر آن یارای مقاومت ندارد.

امسال زحمتکشان سراسر جهان روز بین المللی اول ماه مه را درشرایطی بمراتب مساعد تر از سالهای پیش برگزار میکنند. سیستم سرمایه داری جهانی با بحران مالی و سیاسی عمیقی روبروست، طبقه کارگر در همهٔ کشور ها نقش فعالتری ایفا میکند. مبارزات مطالباتی کارگران، مبارزه در راه صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی علیه بهره کشی سرمایه داری و امپریالیسم جنگ طلب و متجاوز شدت بیسابقه ای یافته است. در بسیاری از کشور ها کارگران توانسته اند با توسل به اعتصابهای دامنه دار و تظاهرات پر شکوه طبقات استثمار گر را در زمینه دستمزد، تقلیل ساعات کار، بهبود شرایط کار و بیمه های اجتماعی، آزادیها و حقوق سندیکائی، به عقب نشینیهای قابل توجهی وادارند. درعرصهٔ پیکار بین‌المللی نیز روز بروز برتری نیروهای صلح و سوسیالیسم واستقلال ملی بر قوای امپریالیستی جنگ و تجاوز محسوس تر میگردد و تناسب نیرو ها بنحو چشمگیر بسود جبهه سوسیالیسم، صلح و دموکراسی تغییر میکند. مردم قهرمان ویت نام با پشتیبانی وهمبستگی مستمر و فعال دولتهای سوسیالیستی و همهٔ نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان به پیروزی درخشانی علیه امپریالیسم متجاوز و خون آشام امریکا نائل شده و این بزرگترین دولت امپریالیستی جهان را شکست خورده از سرزمین خود رانده اند. سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز بیش از پیش راه خود را در پهنهٔ جهان میگشاید و اندیشهٔ سوسیالیسم یعنی ایده ئو لوژی طبقه کارگر در میان توده های وسیع مردم گیتی هر چه عمیقتر رسوخ میکند.

در چنین شرائط مساعد بین المللی طبقهٔ کارگر ایران امکانات بیشتری برای مبارزه در راه تحکیم صفوف و تشکل سازمانی خود در اختیار دارد و میتواند باتکاء نیروی سازمانی متحد خویش در پیشاپیش همهٔ مردم زحمتکش ایران و همهٔ قشر هائی قرار گیردکه تسلط بهره کشان خارجی و داخلی و ستمگری و خود سری دستگاه کشار و اختناق حکومت مطلقه زندگی مادی و معنوی آنها را تباه ساخته، استقلال کشور و آزادیهای دموکراتیك خلق را لگد مال ساخته است.

بنا بر این رفقای کارگر! برادران زحمتکش! جا دارد که در این شرایط:

— قدرت اتحاد، تشکل و همبستگی طبقهٔ کارگر و همهٔ توده‌های زحمتکش ایران‌را با تظاهرات روز اول ماه مه دربرابر صف متحد بهره کشان خارجی و داخلی نمایش دهید؛

— شعار های مطالباتی خود را برای بالا بردن سطح دستمزد، اشتغال بیکاران، اجراء کامل مقررات بیمه های اجتماعی و شرائط تأمینی و بهداشتی کار، آزادیها و حقوق کامل سندیکائی متحداً علناً و بی پروا مطرح سازید؛

— صدای اعتراض خودرا علیه سیاست تسلیحاتی رژیم که نتیجه کار و کوشش طبقه کارگر ایران را بسود یغماگران امپریالیست بهدر میدهد و یکی از مهمترین عوامل نازل بودن سطح دستمزد و زندگی شماست هر چه رساتر بلند کنید و پشتیبانی خود را از جنبش اخیر دانشجویان و جوانان غیور ایران علیه این سیاست خانه برانداز اعلام دارید؛

— تنفر شدید خودرا نسبت به سیاست قطبی گری، توسعه طلبانه و ماجراجویانه، رژیم که امنیت و صلح منطقه خاورمیانه و خلیج فارس‌را بخطر میاندازد و موجب تشدید رژیم ارتجاعی و اختناق پلیسی درداخل ایران است آشکار سازید؛

— علیه بند و بست اخیر هیئت حاکمه با کنسرسیوم بین المللی که مهمترین منابع نفتی کشور ما را تا پایان قرن حاضر در اختیار شرکتهای غارتگر امپریالیستی قرار میدهد شدیداً اعتراض کنید و برای جلوگیری از عقد قرار داد اسارتبار جدید باکنسرسیوم مصممانه مبارزه کنید؛

— توجه داشته باشید که توسعهٔ سریع صنایع با در نظر گرفتن خصوصیات و نیازمندیهای کشور و با استفاده درست از امکانات ارزی دولت و نیز از آمادگی کشور های سوسیالیستی برای بسط مناسبات اقتصادی و همکاریهای فنی یگانه راه صحیح واقع‌بینانه برای ترقی سریع اقتصاد کشور، بهبود سطح زندگی توده های زحمتکش و جلوگیری از توسعهٔ بیکاری و تأمین اشتغال برای صدها هزار کارگر است. طبقهٔ کارگر ایران بهمراه عموم زحمتکشان و ترقیخواهان کشور میتواند با مبارزات متحد و مدبرانهٔ خود اتخاذ چنین روشی را به هیئت حاکمه تحمیل کند.

پاینده باد سنت تاریخی اول ماه مه، روز همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان!

مستحکم باد اتحاد توده های زحمتکش ایران علیه یغماگران و ستمگران خارجی و داخلی!

پیروز باد مبارزه طبقهٔ کارگر ایران در راه استقلال، دموکراسی، صلح و ترقی!

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

دنباله از صفحه ۲

اظهاریه در بارهٔ کنسرسیوم نفت

بلکه عواید حاصله از نفت را برای اجراء خرید های هنگفت انواع اسلحه تعرضی مصروف میسازند و سیاست خارجی خود را در منطقه بیش ازپیش بسوی یك ماجراجوئی بدون مسئولیت سیر میدهند. سیاست نفت و سیاست تسلیحاتی رژیم دو جانب یك مدال است و دو شکل اساسی غارتگری امپریالیستی و سیطرهٔ اقتصادی، سیاسی و نظامی آنها بر کشور ماست. این روشهای منافی با مصالح ملی ما با جنجال گوشخراش تبلیغاتی سخن گویان هیئت حاکمه استتار میگردد. باید هشیار بود و نقاب عوامفریبیها را درید و ماهیت مشی ضد ملی را فاش کرد و با کلیه وسائل ممکن در مقابل این مشی مقاومت ورزید و با آن مبارزه نمود. اگر مردم ایران بموقع و با جسارت عمل کنند، قادرند با مبارزه خود مانع شوند که بند و بست اخیر با کنسرسیوم به تصویب برسد و بدینسان قید نو استعماری تازه ای بر دست و پای ما گذارده شود. مردم ایران بند و بست با کنسرسیوم را بعنوان خیانت و ضربت بر مصالح ملی ما محکوم میکنند آنرا ابداً برسمیت نمیشناسند ومیطلبند که قانون ملی شدن صنایع نفت تمام و کمال اجراء شود.

تردیدی نیست که پیروزی نهائی با مردم مبارز ایران است.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی
حزب تودهٔ ایران
۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۱

رادیو پیك ایران را بشنوید!

رادیو پیك ایران همه روزه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۵، ۲٦ و ۳۱ متر برنامه‌های کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ٤۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد.

رادیو پیك ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

شماره حساب بانکی پیك ایران، ماهنامهٔ مردم، مجلهٔ دنیا، مجلهٔ مسائل بین المللی و مجلهٔ پیکار بشرح زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

با این آدرس با رادیو پیك ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین‌المللی و مجله پیکار مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden